



بعد از لغو تصویب نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که طی دو ماه مبارزه مستمر و یکپارچه روحانیت و مردم محقق شد، امام خمینی در سخنرانی خود به تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۴۱، ضمن تبیین اوضاع اسفبار سیاسی– اجتماعی، به بیان تاریخیچه خدمات و مبارزات روحانیت شیعه پرداخت و ضمن آن، نسبت به خطر «تحریف مقاصد روحانیت» هشدار داد؛ مدتی بعد از دستگیری امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲، روزنامه‌های رژیم ادعاکردند که بین روحانیت و رژیم آشتی و تفاهم برقرار شده و بدین‌وسیله علمای دستگیر شده، خصوصاً امام خمینی‏ را با اتهام سازش با رژیم مواجه کردند. این امر بعد از آزادی امام از زندان در فروردین ۱۳۴۳ نیز دیگرار در روزنامه اطلاعات تکرار شد. این‌بار اما واکنش امام خمینی‏ بسیار صریح و شدید بود و ایشان پس از تکذیب صریح سرمقاله اطلاعات در نطق ۲۱ فروردین ۱۳۴۳، بی‌درنگ نماینده‌ای به اداره این روزنامه فرستاد، تا توضیح بخواهد که آن مقام روحانی که با «انقلاب شاه و آمریکا» همراه شده است، کیست و همراهی او در کجا و به چه صورت می‌باشد؟! این برخورد هوشمندانه و انقلابی در مقابل یک تحریف خطرناک و مرموزانه، موجب عقب‌نشینی و وحشت عاملان رسانه‌ای رژیم و پرهیز از تکرار این ادعای دروغین گردید.^۱ امام خمینی‏ در خردادماه ۱۳۴۷، در خلال نامه‌نگاری با یکی از علمای بلاد، برخی تلگراف‌های علمای ایران را «متضمن تطهیر مجرم اصلی [=شاه]» دانست و آنان را مصداق «ناطقِ مُضِر» برشمرد.^۲

امام در پیام ۲۱ آبان ۱۳۵۶ خود به مناسبت شهادت آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، خطاب به علما و ملت ایران، تظاهرات عظیم ملت به مناسبت شهادت فرزندش را، نه یک مسئله شخصی بلکه «اظهار تنفر از دستگاه جبار و رفازندم حقیقی و رأی عدم اعتماد بر دستگاه خیانت‌کار» دانست و نسبت به «اغفال ملت و خدعه اجانب و عمال آنها»، اعلام خطر نمود. ایشان «سامحه اخیر دولت که نویسندگان را مجال نوشتن و گویندگان را مجال گفتن داد» را «حیله بزرگی برای تطهیر شاه و وانمود کردن آزادی ادعایی و جنایات را به گردن دولت –که آلتی بیش نیست– انداختن» دانست. به اعتقاد ایشان «اکنون می‌خواهند، این شخص را تطهیر کنند تا به جنایاتش ادامه دهد. می‌خواهند، با آزادی محدود در چهارچوب توجه دادن، جنایات را به دولت‌ها، قلوب ساده را آرامش دهند و اذهان صاف را منحرف کنند و هسته مرکزی خیانت‌ها و جنایت‌ها را فراموش کنند.»^۳

امام در مردادماه ۱۳۵۷ در پیامی خطاب به ملت ایران، نسبت به تحریف تاریخ نهضت توسط مغرضان، هشدار داد و برای پیشگیری از این جریان، نویسندگان متعهد و امین را به روشنگری دعوت کرد.^۴ ایشان در بدو ورود به فرانسه (در ۲۳ مهر ۱۳۵۷) به تبیین خط استعماری «توطئه بر ضد اسلام و روحانیت، پرداخته، یکی از شگردهای تبلیغاتی بنیادین دشمن را «ترویج اسلام تحریف شده» دانستند.^۵

از جمله نکات مهمی که امام خمینی‏ در خلال مصاحبه‌های جریان‌ساز خود در فرانسه مورد توجه قرار می‌داد، مقابله با خط تحریف بود؛ به‌عنوان نمونه ایشان در مصاحبه با مجله هفتگی «بیروت» (در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۵۷)، به مسئله «تحریف نهضت مقدس اسلامی ایران» توسط برخی قدرت‌های بیگانه از جمله شوروی اشاره دارد.^۶ ایشان همچنین در مصاحبه با روزنامه «تایمز» (۱۸ دی ۱۳۵۷)، ضمن تبیین اقدامات خیانت‌آمیز شاه در «تحریف دین» و «تحریف واقعیت‌های سیاسی– اجتماعی ایران»، تصریح می‌کند: «بر علمای دینی و مذهبی است که چهره واقعی او را به ملت معرفی کنند»^۷ همچنین در مصاحبه با روزنامه اندونزیایی «تمبو» (۲۳ دی ۱۳۵۷) «جعل، افترا، تحریف و قلب حقایق» را «از مهمترین پایه‌های سیاست شاه و دارودسته‌اش» معرفی می‌کند.^۸

در آستانه سقوط کامل رژیم و ورود امام به ایران، طیفی از عمّال رژیم به دنبال آن بودند که بتوانند، با ترفندهای مختلف از جمله سازش و مذاکره با امام، جلوی سقوط رژیم را بگیرند؛ از این رو پیشنهاد دیدار بختیار – نخست‌وزیر وقت– با امام مطرح شده بود. امام خمینی‏ اما پیش‌شرط دیدار با عوامل رژیم شاه را استعفای رسمی آنان و غیرقانونی دانستن رژیم شاه عنوان کرده بود که در ختنی‌سازی این توطئه بسیار مؤثر بود. در ماجرای سفر بختیار به پاریس نیز، برخی از عوامل موسوم به ملی– مذهبی که علی‌رغم ژست انقلابی و حضور در نوفل‌لوشاتو، همچنان نسبت به جبهه ملی و امثال بختیار سمپاتی داشتند و به‌نوعی سیاست استعماری «حفظ قانون اساسی مشروطه» را که به معنای حفظ رژیم شاه بود، دنبال می‌کردند، چنین شایع کردند که امام خمینی‏ حاضر است، بدون پیش‌شرط بختیار را بپذیرد! این تحریف بزرگ، تردیدهایی را در میان مبارزان داخل ایران پدید آورد که موجب واکنش صریح امام گردید.^۹

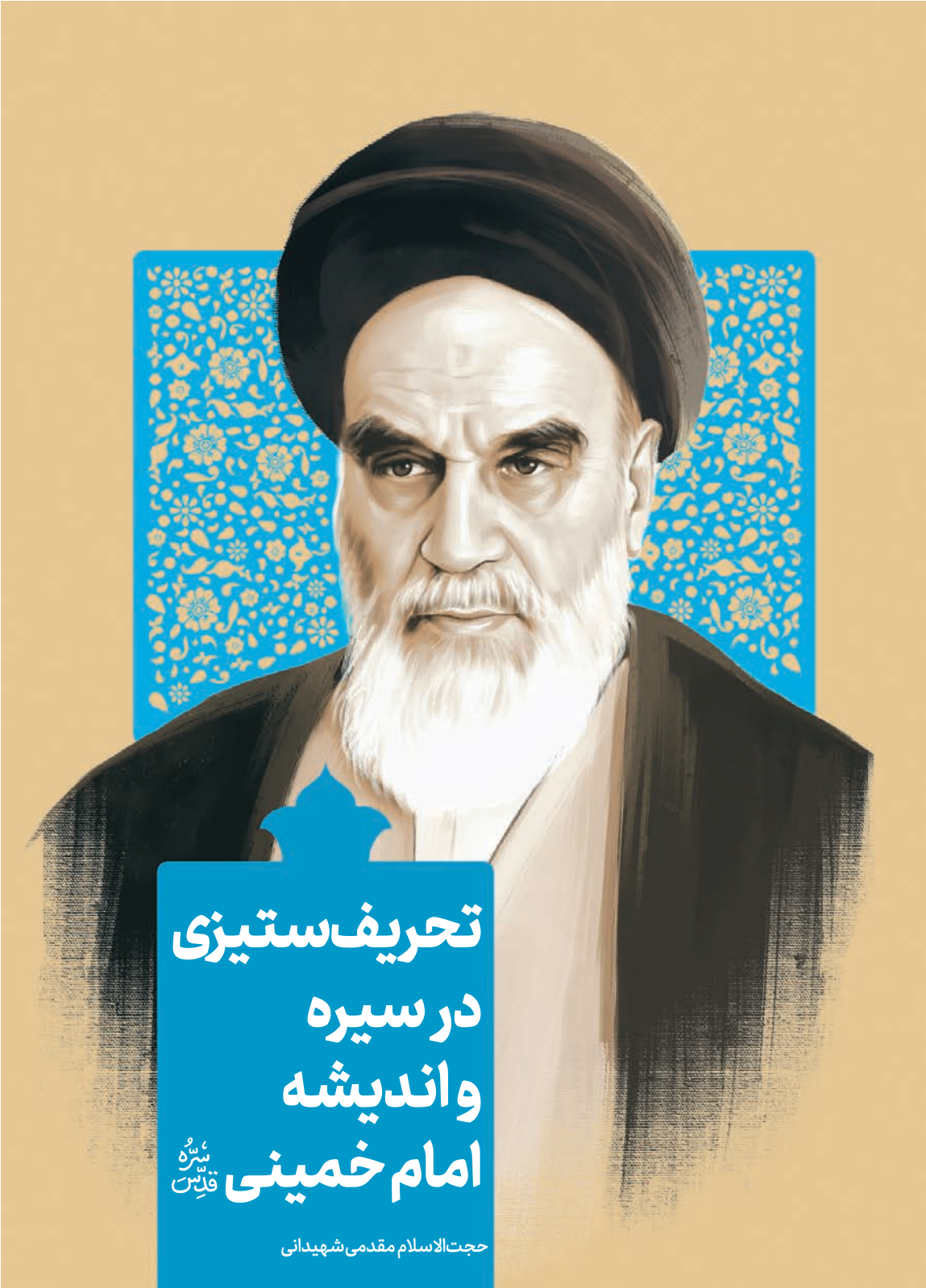
امام خمینی‏ در سخنرانی خود در جمع گروهی از کارکنان روزنامه کیهان (۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸)، به تبیین نقش مخرب برخی مراکز رسانه‌ای در تحریف واقعیت‌های جاری کشور پرداخته و گفتند: «طرف مقالای و مطالبی که راجع به مسائل نهضت است، راجع به مسائل اسلام است، یا تحریف می‌شود یا نوشته نمی‌شود.»^{۱۰} در ۵ مهر ۱۳۵۸ در یک سخنرانی عمومی در جمع روحانیون، با نقد صریح عملکرد برخی جریان‌های ملی‌گرا در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هجمه رسانه‌ای آنان نسبت به عملکرد دادگاه‌های انقلاب اسلامی و محاکمه سران پهلوی را مصداق تطهیر آنان و برخلاف ملی‌گرایی برشمرد.^{۱۱} ایشان همچنین در مصاحبه با خبرنگار تلویزیون «سی. بی. اس» آمریکا(۲۷ آبان ۱۳۵۸)، با انتقاد از تحریفات رسانه‌ای، خواستار انتقال بیکم و کاست مواضع سیاسی‌شان شدند.^{۱۲}

با نزدیک شدن به زمان برگزاری کنفرانس سران غیرمتعهدها در بغداد و احتمال قرار گرفتن صدام در ریاست کنفرانس (بر اساس ضوابط مقرر)، امام در ۱۱ خرداد ۱۳۶۱ با بیانی هشدارآمیز، این کنفرانس را اقدامی برای تطهیر صدام خواند و دیکتانور عراق را تطهیر‌ناپذیر خواند.^{۱۳}

مسئله مقابله با تحریف و وارونه‌نمایی حقایق آن‌قدر برای امام مهم بود که گاه برخلاف رویه ثابت‌شان مبنی بر امتناع از «دفاع از نزدیکان خود»، به‌افتضای ضرورت، به تبیین حقائق و مقابله با مطالب خلاف واقع پرداخته‌اند که نمونه بارز این امر، دفاع مکتوب امام از فرزندش مرحوم حاج احمدآقا بود که در ضمن آن، به امانت‌داری و سلامت فکری و اقتصادی و سیاسی ایشان شهادت دادند.^{۱۴}

امام در سخنرانی ۹ آذر ۱۳۶۴ به پیشینه و برخی مصادیق «تحریف قضایای تاریخی» پرداختند. امری که عمق نگاه امام به امر تاریخ و ضرورت مقابله با تحریف را نمایان می‌سازد.^{۱۵} ایشان در سال ۶۴ امام ضمن پیش‌بینی تطهیر پهلوی‌ها، انعکاس جنایات پنجاه ساله آنان را ضامن پیشگیری از «انوشیروان‌سازی» از رضاخان و محمدرضا پهلوی، برشمرده است. تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی، در این زمینه چنین گفته است:

«یادم هست وقتی جلد دوم کتاب «نهضت امام» در سال ۶۴ منتشر شد، حضرت امام در جماران تشریف داشتند. یک یا چندماه بعد از چاپ کتاب که خدمت ایشان رفقم، با حالتی تشنگونه فرمودند: «...بروید و جنایات ۵۰ ساله این پدر و پسر را به دست بیابورید و منعکس کنید که در



مسئله تحریف حقایق مرتبط با تاریخ انقلاب اسلامی، یکی از دلمشغولی‌های دائمی امام خمینی‏ بوده که از ابتدای نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی و از دوران استقرار نظام تا هنگام ارتحال ایشان، همواره نسبت بدان حساسیت داشته‌اند. تحریف، گاه با کتمان برخی حقایق اتفاق می‌افتد که از آن «تحریف به نقیصه» یاد می‌شود و در آن، بخشی از واقعیت‌ها از حافظه تاریخی حذف می‌گردد، گاهی هم، تحریف به‌معنای وارونه‌نمایی و قلب واقعیت‌هاست که در ضمن آن، گاه خدمات عناصر مؤمن و مجاهد را به انحاء مختلف، مخدوش می‌سازند و گاهی نیز، در قالب تطهیر عناصر «خانن» و «خادم» جلوه دادن آنان، اتفاق می‌افتد که پروژه «تطهیر پهلوی» دقیقاً در همین چارچوب قابل تحلیل است. در این نوشتار نمونه‌هایی از تحریف‌ستیزی امام خمینی‏ مورد بازخوانی قرار می‌گیرد.

آینده از اینها انوشیروان عادل ناسازند!»^{۱۶}

پس از نامه‌نگاری مستند حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی(سال ۱۳۶۷) مبنی بر ورود برخی تحریفات تاریخی در بعضی منابع آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها،^{۱۸} امام خمینی در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله‌خانه‌ای رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، نامه سیدحمید روحانی را «اخطاری برای همه آنان^{۱۹} که دلشان برای اسلام و انقلاب می‌تپد» برشمرد و وجود مطالب خلاف واقع در نظام آموزشی کشور اسلامی ایران را «باعث تعجب و تأسف» دانست و از ایشان خواست که «مسئولی برای رسیدگی به این امور» قرار داده شود تا در تمام این‌گونه موارد، ایشان را در جریان بگذارد. در پایان نیز گزارش روند پیگیری کار را طلب نمود.^{۲۰} این اتفاق، منجر به اصلاح برخی تحریفات در منابع درسی گردید.^{۲۱} در سال پایانی حیات مبارک امام خمینی‏، حاج احمد خمینی‏ را با یادکرد برخی ضرورت‌ها و از آن جمله، جهت پیش‌گیری از اختلاف برداشت‌ها پیرامون دیدگاه‌های امام، طی نامه‌ای خطاب به ایشان درخواست ایجاد مرکزی مستقل به‌منظور «تنظیم و تدوین آثار امام خمینی» را مطرح نمود^{۲۲} که امام نیز در تاریخ ۱۷ شهریور ۶۷، ضمن موافقت با پیشنهاد او، این مسئولیت خطیر را به شخص احمدآقا محول نمود.^{۲۳} به دنبال این حکم، سیداحمد خمینی در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۶۷ طی نامه‌ای دیگر، خواستار آن شد که امام دستور دهد تا تمام مطالب مرتبط با ایشان، توسط «دستگاه‌های مختلف حاکمیتی در اختیاروی قرار گیرد.»^{۲۴} امام نیز طی مرقومه‌ای کوتاه و گویا، با این درخواست موافقت نمود.^{۲۵} بعد از ایجاد «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی»، اقدامات و خدمات قابل توجهی صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به انتشار اسناد مبارزاتی امام و نیز انتشار مجموعه بیانات و مکتوبات ایشان تحت عنوان «صحیفه امام» اشاره نمود؛ اما با این همه، کارنامه این مجموعه عاری از نقدهای جدی نیست.^{۲۶}

یکی از مهمترین تصریحات امام در باب مقابله با «تحریف تاریخ انقلاب اسلامی»، اذعان به پدیده تحریف در مورد مطالب مرتبط با خود امام و تذکار ایشان نسبت به این خطر است؛ چنانکه در تذکرات ذیل وصیت‌نامه الهی–سیاسی خویش این مسئله را متذکر شده و چنین فرموده‌اند:

«اکنون که من حاضرم، بعض نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است، پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم، آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود، مورد تصدیق نیست؛ مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.»^{۲۷}

علاوه بر اصل پیش‌گفته، تذکارات دیگری نیز ذیل وصیت‌نامه وجود دارد که به‌طور مصداقی به مسئله تحریف پرداخته و امام خمینی شخصاً به موارد خلاف واقع و تحریفات، پاسخ گفته‌اند. ایشان در مورد ادعاهای دروغین برخی افراد مبنی بر تحریر اعلامیه‌های امام توسط دیگران، به تکذیب این ادعاها پرداخته‌اند.^{۲۸} در تذکر سوم ذیل وصیت‌نامه، دروغ‌بافی

ابراهیم یزدی، مبنی بر تأثیرگذاری بر مهاجرت امام به پاریس، صراحتاً توسط امام تکذیب شده است.^{۲۹}

حساسیت فوق‌العاده امام نسبت به بیان دقیق مطالب تاریخی مرتبط با زندگانی و مبارزات‌شان، محدود به برخی موارد مذکور در وصیت‌نامه یا بعضی تصریحات دوران پیروزی انقلاب اسلامی نیست؛ بلکه سال‌ها قبل از این نیز، این رویه در سیره امام قابل مشاهده است. چنانکه در بازخوانی متن جلد نخست از کتاب نهضت امام خمینی که قبل از انتشار در اختیار ایشان قرار گرفته بود، برخی موارد به‌مراتب جزئی را که بعضاً چندان حائز اهمیت تاریخی نیز نبود، تذکر داده‌اند.^{۳۰} از جمله این موارد، تاریخ آغاز تدریس امام خمینی‏ است که نویسنده کتاب به‌زعم خود، تاریخ ۱۳۵۰قمری را برای آن درج کرده بود؛ اما امام خمینی ضمن اذعان به اینکه «مطلب مهم نیست» اما به جهت آنکه «مخالف واقع است»، نسبت به آن تذکر دادند و چنین مرقوم داشتند:

«... گرچه مطلب مهم نیست؛ لکن چون مخالف واقع است، تذکر می‌دهم؛ اینجانب در زمانی که ساکن مدرسه دارالشفاء بودم، مدت‌ها فلسفه تدریس می‌کردم و در سنه ۱۳۴۸(ق) [مطابق ۱۳۴۷ش] به‌واسطه تأهل از مدرسه خارج شدم.»^{۳۱}

بنابر مطالب پیش‌گفته، آغاز تدریس دروس فلسفی امام به مدت‌ها پیش از سال ۱۳۳۷ش برمی‌گردد.

اهتمام نویسنده کتاب «نهضت امام خمینی» به اعمال تذکرات امام و حریت او در بازگو کردن آن برای عموم مخاطبان، نشان‌گر امانت‌داری حداکثری و وفاداری به امام است و به اخلاق حرف‌های در تاریخ‌نگاری تراز انقلاب اسلامی دلالت دارد که چنان‌چه به هر دلیل اشکال و اشتباهی در نوشتجات یک نویسنده متعهد وارد شود، به‌محض اطلاع از واقعیت ماجرا، باید نسبت به اصلاح متن مخدوش مبادرت ورزد. امری که مع‌الأسف در برخی آثار مخدوش فعلی از جمله «الف لام خمینی» به چشم نمی‌آید و بعد از گذشت چند سال از تبیین مستند تحریفات پرشمار آن، همچنان اراده‌ای برای اصلاح و بازبینی محتوایی وجود ندارد! به نظر می‌رسد، همین رویه درست و امانت‌دارانه در تاریخ‌نگاری است که موجب می‌شود، امام خمینی‏ مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی را به استاد سیدحمید روحانی واگذار نمایند. جالب آنکه در این حکم تاریخی نیز، نکات بسیار دقیقی در مورد مواجهه با تحریفات تاریخی وجود دارد که چراغ راه همه تاریخ‌نگاران متعهد است.

امام خمینی در حکم مأموریت تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی خطاب به حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی، با نقد رویه غلط تاریخ‌نگاری وابسته و تحریف‌گر، ثبت دقیق وقایع تاریخی بدان‌گونه که هست، تبیین اهداف قیام مردم و بیان تاریخ از زبان توده‌های مردم زنج‌دیده را خواستار شده‌اند:

«امیدوارم بتوانید با دقت، تاریخ حماسه‌آفرین و پرحادثه انقلاب اسلامی بی‌نظیر مردم قهرمان ایران را بدان‌گونه که هست، ثبت نمایید. ...اکثر مورخین، تاریخ را آنگونه که مایلند و یا بدان‌گونه که دستور گرفته‌اند،

می‌نویسند؛ نه آن‌گونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتاب‌شان بناسبت، به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند. ...از شما می‌خواهم هرچه می‌توانید، سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید؛ چراکه همیشه مورخین، اهداف انقلاب‌ها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابان‌شان ذبح می‌کنند. امروز هم چون همیشه تاریخ انقلاب‌ها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده‌ای خاص، له و یا علیه عده‌ای دیگر و یا واقعه‌ای در خور بحث. اگر شما می‌توانستید، تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم زنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خرد انقلاب، بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد.»^{۳۲}

این بیانات نشان‌گر آن است که مسئله تبیین حقائق تاریخی و مقابله با پدیده شوم تحریف، به عنوان یک وظیفه راهبردی، متوجه تمام کسانی است که در این باب توانمندی و اطلاعات لازم را دارند. طبعاً به دلیل ماهیت ذاتی و کارویژه دانش تاریخ و خصوصاً تاریخ انقلاب اسلامی، مورخان خیبر و متعهد، مسئولیت خطیری در جهت فرضیه تبیین دارند. در سال‌های اخیر با تولید برخی آثار شبه‌تاریخی در مورد امام خمینی مواجهیم که در اسناد برخی مطالب به امام از منابع مخدوش مانند اسناد ساواک و خاطرات شفاهی استفاده می‌کنند و اموری را به امام نسبت می‌دهند که هیچ مستندی ندارد و بر اساس قاعده مورد نظر شخص امام، به هیچ وجه قابل انتساب به امام نیست. کتاب «الف لام خمینی» نمونه بارز این قبیل آثار تحریف‌آمیز است که در آن اسناد برخی مطالب مخدوش، از منابع غیرمعتبر به امام خمینی‏ فراوان است؛ مطالبی که نه با صدا و خط و امضای امام سازگار است و نه مورد تصدیق کارشناسان قرار گرفته است و نقد مستند و تفصیلی آن نیازمند یادداشت‌های مجرّاست.

در دوران رهبری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز، حساسیت نسبت به مسئله تحریف و خصوصاً پدیده شوم «تحریف امام» دنبال شده است. بازخوانی نکات دقیق مقام معظم رهبری در مواجهه با تحریف تاریخ انقلاب اسلامی و پدیده تحریف امام، افق‌های تازه‌ای در پیشروی تاریخ‌نگاران متعهد خواهد گشود. فرمان ایشان مبنی بر فوروی قطعی بودن فرضیه جهاد تبیین، مصداق بارز اهتمام ویژه ایشان به تحریف‌ستیزی است.

• پی‌نوشت

- ر.ک: صحیفه امام خمینی، ج ۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۲)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۸؛
- ر.ک: نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی، دفتر اول، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۳۹۳، صص ۸۸۲–۸۸۱؛ مع‌الأسف علی‌رغم تصریحات امام‏ در نفی هر نوع سازش با رژیم شاه، در کتاب «الف لام خمینی» برای نخستین‌بار این امر مورد تشکیک قرار گرفته و در واقع، نویسنده صداقت امام را زیر سؤال برده است. تفصیل ماجرا و نقد آن در کتاب «الف‌لام، خدمت یا خیانت» آمده است که با گذشت ۶ ماه از ارسال به ارشاد، همچنان مسکوت مانده است؛
- صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۸۵؛ در بخشی از نامه امام به شریعت اصفهانی، چنین آمده است: «... بعضی تلگرافات که اخیراً از قبیل بعضی آقایان شده است، متضمن تطهیر مجرم اصلی است...»؛
- صحیفه امام، ج ۳، صص ۲۶۲–۲۶۱؛
- صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۳۴؛
- صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۷؛
- صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۹۶؛
- صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۹۰؛
- صحیفه امام، ج ۵، صص ۴۳۹–۴۳۶؛
- صحیفه امام، ج ۵، ص ۵۲۶؛
- صحیفه امام، ج ۷، صص ۴۲۱–۴۳۰؛
- صحیفه امام، ج ۱۰، صص ۱۴۳–۱۴۲؛
- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۷۳؛
- صحیفه امام، ج ۱۶، صص ۲۸۱ و ۲۸۲؛
- گفتنی آنکه این سند تاریخی در زمان حیات یادگار امام به توصیه مکتوب او، منتشر نشد و بعد از ارتحال وی در مجموعه «صحیفه امام» درج شد که این نیز، خود، نشانه‌ای دیگر بر اخلاص آن مرحوم بود. (صحیفه امام، ج ۱۷، صص ۹۲–۹۱)؛
- صحیفه امام، ج ۱۹، صص ۴۲۴–۴۲۳؛
- نی‌چون رستخیز آزگای: می‌گزرد پیرمون پنجاهمین سالگرد۱۵ خرداد: «نهضت امام خمینی» و نسبت آن با سبک زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان» در می‌گزرد پاسدار اسلام با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحمید روحانی، عزت‌الله شاهی (مطهری) و خانم مرضیه بدجی (دیاع)، پاسدار اسلام، دوره ۱۳۹۲، شماره ۳۷۷ – شماره پیاپی ۳۷۸، بهار ۱۳۹۲، صفحات: ۲۹–۲۸؛
- صحیفه امام، ج ۱۱، صص ۲۹۵ و ۲۹۶؛
- همان، ص ۲۹۶؛
- جناب استاد سیدحمید روحانی در گفت‌وگو با نگارنده (به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۰)، به ذکر جزئیاتی در این مورد پرداختند که درج گردیده‌ای از آن در اینجا ضروری است:
- بعد از نامه امام به ریاست جمهوری وقت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، جلسه‌ای با حضور آقایان سیدحمید روحانی، عطاءالله مهاجرانی، غلامعلی حداد‌عادل، سیدکاظم اکرمی و برخی نویسندگان متون تحریف‌آمیز از جمله آقای زرگری‌زاد(گردآورنده کتاب درسی تحریف‌آمیز)، برگزار می‌شود که در ضمن آن، وقوع تحریف در آثار درسی به اثبات می‌رسد. پس از آن، جلسه دیگری نیز به پیشنهاد دکتر حداد‌عادل (بدون حضور آقای مهاجرانی به‌عنوان نماینده رئیس‌جمهور) برای بررسی تفصیلی تحریفات برگزار می‌گردد که در ضمن آن، بی‌مستند بودن و تحریف‌آمیز بودن متون درسی، بیش از پیش روشن می‌گردد. در همین ایام مهدی کروبی در تریبون نماز جمعه تهران، به خطر تحریف تاریخ توسط برخی عناصر داخلی پرداخت و از اقدام به‌هنگام آقای سیدحمید روحانی در افشای تحریفات در کتب درسی، تمجید کرد؛
- صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۱۲۶–۱۲۵؛
- ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۱۲۸–۱۲۷؛
- ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۷؛
- ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۸؛
- از آن جمله می‌توان به واسپاری تدوین و انتشار بیانات و مکتوبات امام به عده‌ای کارابیلد(یزیزفتر سیدمحمد خامن‌ی) اشاره کرد که منجر به انتشار کتاب تحریف‌آمیز «صحیفه نور» گردید و اگر اعتراض شجاعانه و مستند استاد سیدحمید روحانی نمی‌بود، بعید بود که این اثر مخدوش مورد بازبینی قرار گیرد. همچنین «عدم مقابله به‌هنگام و جدی با مسئله تحریف امام» نیز انتقاد جدی دیگری است که به این مجموعه وارد است که در مورد کتاب «الف لام خمینی»، این مسئله به اوج خود رسید و متولیان مؤسسه نه‌تنها واکنش علنی خاصی نشان ندادند؛ بلکه در مقطع سالگرد امام در سال ۱۴۰۱، پایگاه خبری جماران، رسماً به بازشر مسئله‌وار محتوای تحریف‌آمیز الف لام پرداخت؛ «مواجهه جنحی با مسائل مرتبط با اندیشه امام» نیز، انتقاد دیگری است که وارد است. در سال‌های فقدان یادگار امام، عملکرد مؤسسه مزبور بارها و بارها از سوی نیروهای انقلابی و دلسوز، از جمله جناب استاد سیدحمید روحانی مورد نقد جدی واقع شده است که امیدواریم، منجر به اصلاح رویه این مجموعه گردد؛
- وصیت‌نامه سیاسی– الهی امام خمینی‏، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه چاپ و نشر عروج – ایران – تهران، چاپ: ۱۸، ۱۳۸۷، ه. ش. ص ۹۳؛
- همان؛
- پیشین؛
- نویسنده کتاب نهضت امام خمینی‏ جناب استاد روحانی در مقدمه چاپ نخست این کتاب، مواردی از این تلذکرات را درج کرده و نمونه‌هایی از دست‌خط مبارک امام را در بخش ضامتم کتاب آورده است؛
- نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۵؛
- صحیفه امام ج ۲۱، صص ۲۴۰–۲۳۹.